

### چالش‌های رسیدگی به دعاوی مبتنی بر ارزش‌های رمزیابانه در ایران

حسن رضوانی دهاقانی<sup>۱</sup>

دکترعلیرضا مسعودی<sup>۲</sup>

دکتر اسماعیل شاه سوندی<sup>۳</sup>

دکتر فهیمه ملک زاده<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۶

#### چکیده

ارزش‌های رمزنگار مزایایی دارند که به واسطه‌ی آن‌ها می‌توانند تبدلات را بیش از سایر ابزارهای پرداخت پیش از خود تسهیل نموده و طیف گسترده‌ای از موانع موجود در مسیر تبدلات مالی و تجاری را پشت سر گذارند. اما در راستای رفع موانع، حفظ نظم و امنیت ضروری است تا هر پدیده‌ی مستحدث، تحت یک نظام و چارچوب حقوقی قرار گرفته و حتی‌الامکان سعی شود در عین بهره‌گیری از مزایای آن، از آثار نابهنجار احتمالی آن نیز اجتناب شود. ارزش‌های رمزنگار به لحاظ خصوصیتی که دارند می‌توانند تحول عظیمی در نظام مبادلات مالی و تجاری ایجاد کنند، بر بسیاری از محدودیت‌ها فایق آیند و در عین حال نظام مالی و بانکی موجود را با چالش‌های گسترده‌ای مواجه کنند. این چالش‌ها نه تنها در روابط مالی و تجاری می‌تواند اتفاق افتد، بلکه امکان تهدید سایر جنبه‌های زندگی بشری را نیز به همراه دارند.

در چنین وضعیتی با توجه به شکل‌گیری دعاوی متعدد ناشی از انتقال، خرید و فروش و یا تبادل این ارزش‌ها، ضرورت دارد که قوانین دادرسی و مقررات ناظر به طرح، اقامه و پیشبرد دعاوی و اجرای احکام صادره از دادگاه‌ها، با توجه به الزامات و ضروریات ناظر به رمزارزها مورد بررسی قرار گرفته و در صورت لزوم، مقررات موجود متناسب‌سازی شده و اصلاحات لازم در قوانین موجود به عمل آید.

**کلمات کلیدی:** ارزش‌های رمزنگار، بیت‌کوین، دادرسی، خواسته دعوی - دعاوی مدنی

و تجاری، حقوق ایران

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

یکی از آثار استفاده از تکنولوژی در مناسبات مالی و تجاری میان افراد و پیشرفت آن، ظهور اشکال نوینی از اموال است که می توان آنها را به عنوان اموال غیرقابل لمس معرفی نمود. هر چند هنگامی که صحبت از اموال غیر ملموس می شود، اولین گزینه‌ای که ممکن است به ذهن متبادر شود اموال فکری و به تبع آن حقوق مالکیت فکری باشد (اموالی همچون ایده های خلاقانه و ابتکارات، اسرار تجاری، دانش فنی و امثال آن) ولی اموال غیر قابل لمس، گستره‌ای فراتر را تحت پوشش قرار می دهد. امروزه این دسته از اموال به اشکال مختلفی در روابط مالی افراد دخیل هستند.

در گذشته شاکله اصلی معاملات را اموال ملموس تشکیل می دادند. قانون مدنی در موارد زیادی قواعدی را بیان می کند که تداعی کننده خصیصه ملموس بودن اموال است. ماده ۲۹ ق.م. رابطه اشخاص و اموال را از جمله مالکیت (اعم از عین یا منفعت) تعریف می نماید؛ قانون مدنی در خصوص نهاد رهن تاکید کرده که « مال مرهون باید عین معین باشد» ( ماده ۷۴۴ ق.م.) و در برخی از عقود، قبض را شرط صحت آن معرفی می کند. حتی اسناد بین المللی تا دهه پایانی قرن بیستم همچون کنوانسیون پاریس نیز تنها علائم قابل مشاهده را تحت پوشش قرار می دهد که نشان دهنده غلبه اموال قابل لمس در مناسبات مالی و تجاری است.

با این وجود در گذر زمان اموال غیر ملموس جایگاه واقعی خود را در تبادلات مالی و تجاری اشخاص بازیافته و توسعه داده اند به نحوی که امروزه خود به عنوان یکی از عوضین معاملات شناخته می شوند. در این بین یکی از مصادیق بارز ارتقای جایگاه این اموال را می توان در گرایش به توسعه نظام حاکم بر معاملات وثیقه‌ای به این اموال به عنوان سرمایه وثیقه‌ای (یا همان مال مرهونه) در قانون نمونه معاملات با حق وثیقه آنسیترال مصوب ۲۰۱۶ میلادی<sup>۵</sup> مشاهده کرد، این اسناد مطالبات توقیف شده و سایر اموال غیر ملموس را به عنوان ضمانت برای پرداخت یا انجام سایر تعهدات در قبال بستانکار معرفی می نماید. ارتقای نقش آفرینی این اموال محدود به موارد مذکور نمی باشد؛ اموال غیر ملموس امروزه خود به عنوان یکی از عوضین معاملات نیز شناخته شده اند.

با بروز هر یک از اختلافات حقوقی از جمله اثبات و یا ابطال معامله، مقررات حاکم و مرجع صالح به رسیدگی الزام به انجام تعهدات ناشی از قرارداد، یا الزام به تحویل، در ارتباط با ارزشهای رمزنگار، این احتمال وجود دارد که یکی از طرفین، دعوی را به طرفیت دیگری در محاکم دادگستری مطرح نماید. با طرح دعوا، مساله ماهیت و مقررات حاکم

<sup>۵</sup> در قانون نمونه معاملات با حق وثیقه آنسیترال که در سال ۲۰۱۶ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است، امکان ایجاد حق وثیقه نسبت به وجوه واریزی به یک حساب بانکی که مصداقی از اموال غیرمادی یا ناملموس است، پیشبینی شده که بر اساس آن، این وجوه میتواند به عنوان مال مرهون برای توثیق تعهدات به کار رود.

بر ارزش‌های رمزپایه در مراحل مختلفی از دادرسی موضوعیت پیدا می‌کند. همین امر باعث می‌شود تا جنبه دیگری از مساله اهمیت یافته و آن وضعیت ارزش‌های رمزپایه در مراحل مختلف دادرسی است. ارزش‌های رمزپایه به واسطه خصوصیات منحصر به فردی که دارند می‌توانند چالش‌هایی را در مراحل مختلف دادرسی ایجاد کنند که این مقاله در صد بررسی آن‌ها پاسخ به سوالات مربوط به آنها است.

### تعریف و مفهوم ارزش‌های رمزپایه

ارزش‌های رمزنگار را می‌توان نمونه‌ای از پول مجازی دانست که به منظور امنیت بیشتر، حذف واسطه‌ها و ناشناس بودن طراحی شده‌اند و از رمزنگاری برای انتقال در اینترنت استفاده می‌کنند، رمزنگاری‌های این ارزش‌ها، غیرقابل هک و پیگیری هستند. به بیان دیگر ارزش‌هایی هستند که به صورت الکترونیکی ذخیره و منتقل می‌شوند و مبنای آنها صفر و یک است، و به عنوان یک واحد پولی یا واسطه تبادل، بر پایه اینترنت تعریف می‌شوند، این ارزش‌ها ویژگی‌هایی مشابه با پول فیزیکی دارند، اما تراکنش‌های انتقال سرمایه را به صورت آنی و بدون مرز بین افراد انجام می‌دهد. این مفهوم در مقابل واسطه‌های فیزیکی مانند اوراق بانکی یا سکه مطرح می‌شود. پولهای مجازی و ارزش‌های رمزنگار، هر دو از نمونه‌های پول دیجیتال هستند، اما هر ارز دیجیتالی ارز مجازی یا ارز رمز نیست، در واقع نمی‌توان پول دیجیتال را به این دو گروه محدود کرد.

ارزش‌های رمزپایه چندین سال است در جهان و ایران خبرساز شده‌اند، عموم مردم نام بیت کوین را شنیده‌اند و کم و بیش می‌دانند که این ارز، یک ارز مجازی است و برخلاف ارزش‌های سنتی بر پایه طلا، نقره یا هر چیز دیگری نیست. به عبارت دیگر مردم ممکن است بدانند که ارزش‌های مجازی، ارزش ذاتی ندارند اما بسیاری از افراد نمی‌دانند که ارزش بالای این ارزش‌ها از کجا می‌آید. پول دیجیتال به نمادی از یک پول داخلی یا ارز خارجی اطلاق می‌گردد که در بستر و فضای اینترنت جابه‌جا می‌شود؛ کریپتوکرانسی یا رمزارز به دسته‌ای از پول-ارزش‌های دیجیتال یا مجازی گفته می‌شود که در آنها از رمزنگاری برای تراکنش‌های مالی استفاده شده است؛ به طوری که رمزگشایی آنها بسیار دشوار و بعضاً غیرممکن است. این نوع ارزش‌ها عموماً توسط مرکز خاصی کنترل نمی‌شوند، سریع و مقرون به صرفه‌اند و محدودیت جغرافیایی را از میان برداشته‌اند؛ و به صورت غیرمتمرکز اداره می‌شوند. (ملک‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۳۳) از آنجایی که این ارزش‌ها، دارای پشتوانه‌ی مشخصی نبوده و هیچ دولت و بانکی از آن حمایت نمی‌کند چهره‌ی خاصی از تکنولوژی روز را ترسیم نموده که چالش‌های حقوقی زیادی ایجاد می‌کند و انطباق قوانین و مقررات (در ایران و سایر کشورها) با این موضوع را ضروری می‌گرداند.

اولین سوالی که باید در رابطه با ارزشهای رمزپایه به آن پاسخ داد این است که ماهیت دعوای مبتنی بر ارزشهای رمز پایه چیست؟ دعوای را به طور کلی به دو دسته دعوای مالی و غیر مالی تقسیم بندی می‌کنند. در زمان تقدیم دادخواست باید مالی یا غیرمالی بودن دعوا را مشخص نماییم. نادرستی نوع توصیف دعوا از موارد نقص دادخواست و تشخیص نهایی آن با دادگاه است. تقسیم دعوا به مالی و غیرمالی، مانند هر تقسیم بندی قانونی دارای معنا و آثار حقوقی است. (غمامی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷)

دعوای مالی به دعوایی گفته می‌شود که خواسته آن مال بوده و دعوای غیرمالی نیز دعوایی است که خواسته آن غیرمالی باشد. در تعریف حق مالی نیز باید گفت که حقی است که اجرای آن به طور غیرمستقیم برای دارنده آن منفعتی ایجاد کند و بتواند آن را به پول ارزیابی نماید. به نظر می‌رسد که برای روشن شدن مفهوم دعوای مالی و غیر مالی باید مفهوم حق مالی و غیرمالی نیز تبیین گردد. حقوق دانان برجسته‌ای هم چون مرحوم دکتر سید حسن امامی حق مالی را حقی می‌دانند که اجرای آن به صورت مستقیم برای دارنده حق منفعتی را به وجود می‌آورد که این منفعت قابل تقویم به پول می‌باشد؛ مانند حق مالکیت نسبت به یک خانه که مستقیماً برای دارنده آن ارزش پولی دارد. در مقابل، حق غیرمالی را به حقی تعریف نموده‌اند که اجرا و اعمال آن به صورت مستقیم منفعتی را به وجود نمی‌آورد که قابل تقویم به پول باشد؛ هر چند می‌تواند به صورت غیرمستقیم چنین منفعتی را به وجود آورد. (امامی، ۱۳۴۰، ص ۵۵)

تشخیص اینکه دعوای مبتنی بر ارزشهای رمزپایه از کدام قسم از انواع دعوای است از جهات مختلفی حایز اهمیت می‌باشد. از جمله‌ی این موارد مسأله اهلیت طرفین معامله در معاملات مالی است که رشد طرفین معامله در آن اهمیت دارد؛ یکی دیگر از موضوعات واجد اهمیت صلاحیت مرجع قضایی است. از جمله اینکه بر اساس ماده ۹ قانون شوراها حل اختلاف «در موارد زیر، قاضی شورا با مشورت اعضای شورا رسیدگی و مبادرت به صدور رأی مینماید: الف- دعوای مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون ( ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال)».

همینطور در مواردی که قرارداد، منشاء یک دعوای مالی است؛ علاوه بر دادگاه محل اقامت خواننده دادگاه‌های دیگری نیز صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارند که در دعوای مربوط به معاملات مبتنی بر ارزشهای رمزپایه نیز قابل استفاده و استناد هستند.

در هر صورت ارزشهای رمزپایه یک واسطه مبادلات مالی هستند. بنابراین دعوای مربوط به آنها از هر قسم که باشد، اعم از اینکه راجع به الزام به اجرای تعهدات ناشی از قرارداد،

یا الزام به تحویل رمز ارز و غیره) را باید در زمره دعاوی مالی در نظر گرفت و در نتیجه، آثار دعاوی مالی را نسبت به این دعاوی برقرار دانست.

### موضوع خواسته در دعوا

خواسته هر دعوی حقوقی، اساسی ترین رکن آن تلقی می‌گردد. صرفنظر از ضرورت دقت در نحوه تعیین خواسته، به سبب وابستگی سرنوشت دادرسی به درستی و صحت عملکرد خواهان در این خصوص، تشخیص نوع خواسته از حیث مالی بودن یا غیرمالی بودن و بهای آن در دعاوی مالی، از حیث میزان هزینه‌های دادرسی، صلاحیت مراجع رسیدگی و قابلیت تجدید نظر یا فرجام‌خواهی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. به بیان دیگر منظور از خواسته دعوی، موضوعی است که خواهان از دادگاه می‌خواهد تا خوانده دعوی را به پرداخت یا انجام آن محکوم نماید و یا نظر خود را به عنوان فصل الخطاب نسبت به آن موضوع اعلام کند. در مواد مختلف قانون آئین دادرسی مدنی، به مناسبت های گوناگون به لزوم تعیین خواسته اشاره شده است. از باب مثال: طبق بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی شرط لازم برای به جریان افتادن دعوی، آن است که خواسته دعوی معلوم باشد و برابر بند ۲ ماده ۵۳ عدم تعیین خواسته در دادخواست، از موارد توقیف دادخواست است و در صورتیکه در مهلت مقرر قانونی دادخواست از این جهت تکمیل نگردد، طبق ماده ۵۴ همان قانون، دادخواست رد خواهد شد. گذشته از این، تعیین خواسته مشخص کننده مقدار هزینه دادرسی لازم برای دعوی است که احکام مربوط به آن در مواد ۶۱ تا ۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی به تفصیل بیان شده است. (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۴۸۳)

بعد از اینکه مشخص شد دعاوی مربوط به ارزشهای رمزپایه، مالی هستند مساله دیگری که مطرح می‌شود تعیین خواسته این دعاوی است. ماده ۵۱ ق.آ.د.م. در شرایط دادخواست مقرر می‌دارد: «دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد: ...۳- تعیین خواسته». به طور کلی انواع مختلفی از دعاوی وجود دارند که ماهیت مالی دارند اما از این میان تنها برخی از آنها می‌توانند به دعاوی که به ارزشهای رمزپایه ارتباط پیدا می‌کنند، مربوط شوند.

معاملات مربوط به ارزشهای رمزپایه ذیل سه دسته قابل تقسیم هستند که عبارتند از:

۱- خرید و فروش ارزشهای رمزپایه

۲- معامله با ارزشهای رمزپایه

۳- معاوضه ارزشهای رمزپایه

بنابراین عناوین دادخواست‌ها نیز بر این اساس می‌توانند به سه دسته تقسیم شوند.

ارز رمزپایه خود می تواند موضوع معامله و خرید و فروش قرار گیرد. در اینگونه موارد خواسته دعوا می تواند یکی از موارد زیر باشد:

**اثبات و تایید یا ابطال معامله:** یکی از دعاوی ای که می تواند در رابطه با ارزشهای رمزپایه مطرح شود، تأیید یا ابطال این معاملات است. در حالی که یکی از طرفین می تواند دعوایی را به طرفیت خوانده مبنی بر تایید معامله طرح کند طرف مقابل نیز ممکن است دعوایی را با خواسته اعلام بطلان این معامله طرح نماید. طبق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۵۶۵/۹۸/۷ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۴ نگهداری، خرید و فروش و وارد کردن دستگاه ماینر یا استخراج بیت کوین (ارز دیجیتال) در مقررات کیفری عنوان مجرمانه ندارد؛ مگر اینکه دستگاه استخراج بیت کوین در فهرست کالاهای تحت مقررات گمرکی مطرح و وارد کردن آن منطبق با کالاهای موضوع قاچاق شود یا عملکرد دستگاه های استخراج بیت کوین مشمول عنوان های دیگر مانند خرابکاری موضوع ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ یا قانون مجازات استفاده کنندگان از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز مصوب ۱۳۹۶ شود. در عمل با توجه به اینکه این معاملات در فضای مجازی و بدون وجود اسناد سنتی صورت می پذیرند، به نظر بدو تأیید و اثبات معامله ضروری است.

از سوی دیگر از نظر فقهی برخی فقها (آیت الله محمد جواد لنگرانی) این معاملات را مشمول معاملات غرری دانسته و باطل می دانند. با توجه به اینکه قانون در رابطه با این معاملات ساکت است و همینطور بر اساس ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر می دارد: « قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً» قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند...» فلذا در مساله ی مبحث عنه ممکن است بنابه فراخور موضوع طرح دعوی تأیید یا ابطال معامله طرح گردد، پر واضح است بررسی اصول حاکم بر مشروعیت یا عدم مشروعیت این معاملات نیاز به تحقیق مستقل و بررسی آراء و نظرات فقهی و حقوقی دارد.<sup>۶</sup>

<sup>۶</sup> - برای ملاحظه ی نظر آیت الله لنگرانی به سایت [hawzah.net](http://hawzah.net) مراجعه نمایید و برای مطالعه ی معاملات غرری بنگرید: علیدوست، ابوالقاسم، قاعده نفی غرر در معاملات، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۲، شماره ۹

**دعوی مطالبه ارزش رمزپایه:** در مواردی که طرفین قرارداد نسبت به انجام تعهد قراردادی اختلاف دارند و خواهان به دنبال استنکاف فروشنده از تسلیم ارزش رمزپایه، به دادگاه مراجعه می‌کند اولین خواسته‌ای که قابل طرح می‌باشد مطالبه مبیع می‌باشد؛ در این معامله ثمن معامله؛ پول است که می‌تواند پول داخلی یا ارزش خارجی باشد. فلذا با توجه به اینکه مبیع دارای ارزش مالی و مشخص است، در این موضوع باید ارزش مالی آن تعیین و با وحدت ملاک از طرح دعوی مطالبه‌ی عین ارزش خارجی، آن را تفسیر کرد به همین منظور است که در رویه‌ی قضایی با استناد به بند یک ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، ارزش ریالی ارزشهای خارجی بر مبنای نرخ رسمی اعلامی بانک مرکزی تعیین و در دادخواست درج می‌گردد، اما در حال حاضر مبنایی قانونی جهت تعیین ارزش ارزشهای رمزنگار وجود ندارد، فلذا در صورت عدم تعیین ارزش آن توسط طرفین در قرارداد می‌توان بهای آن را با جلب نظر کارشناس تعیین نمود.

**۳-۲-۳. مطالبه ثمن:** مطالبه ثمن در مواردی اتفاق می‌افتد که به جهتی امکان اجرای قرارداد وجود ندارد. مبنای این موارد می‌تواند شامل فسخ قرارداد از سوی هر یک از طرفین، عدم تشکیل قرارداد، بطلان قرارداد و امثال آن باشد. به عنوان مثال در صورتی که طرف قرارداد در خرید و فروش ارزش رمزپایه به استناد اختیار غبن اعلام فسخ قرارداد کند می‌تواند دعوی تایید فسخ و مطالبه ثمن قراردادی را مطرح کند.

**دعوی مطالبه خسارت اعم از خسارت و ضرر و زیان فهری یا قراردادی:** یکی دیگر از دعوایی که می‌تواند در رابطه با ارزشهای رمزپایه مطرح شود دعوی مطالبه خسارت عدم انجام یا تاخیر در انجام تعهد است. اصل تعهد در این موارد ممکن است تحویل عین ارزش در تاریخ مشخص و به حساب دیگری در کیف پول دیجیتال وی باشد و یا در مقابل اخذ کد رمز ارز، پرداخت ثمن معامله با وجه رایج یا ارزشهای دیگر باشد، در اینگونه موارد خواسته دعوا بسته به اینکه در قرارداد میان طرفین تعیین تکلیف شده باشد یا خیر می‌تواند متفاوت باشد. فروضی مختلفی در اینجا قابل تصور است.

- قرارداد نسبت به خسارات مذکور ساکت است. فارغ از مسائل عام مربوط به اثبات خسارت؛ مسایل دیگری نیز می‌تواند طرح گردد، از جمله موارد این است که خسارت باید بر اساس پول ملی درخواست و تعیین شود یا بر اساس واحد ارزش رمزپایه؟ خسارت از چه زمانی باید در نظر گرفته شود؟ به نظر در این گونه موارد و با توجه به قاعده‌ی عام حکومت قانون مقر دادگاه، خسارت بر اساس پول ملی و با جلب نظر کارشناس جهت متناسب سازی با ارزش مورد نظر تعیین می‌گردد، بدیهی است در صورتی که ارزش رمز را به عنوان مبیع باشد و ثمن معامله نیز وجه رایج تعیین گردد، مطالبه‌ی خسارت تاخیر تادیه

بر اساس منطوق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در صورت اثبات مطالبه از ناحیه‌ی داین، قابل پذیرش است.

- در صورتی که در قرارداد وجه التزام مشخص کرده یا معیاری برای تعیین میزان خسارت پیش بینی شده باشد، برابر اصل لزوم قراردادی و آزادی اراده‌ی طرفین و همچنین منطوق ماده ۲۳۰ قانون مدنی و رای وحدت رویه شماره ۸۰۵ هیات عمومی دیوانعالی کشور، همان وجه التزام ملاک عمل خواهد بود.

اما در صورتی که طرفین در قراردادی که وجه التزام را از نوع ارز رمز تعیین کرده باشند، تکلیف چیست؟ هر چند ماده ۲۳۰ قانون مدنی صحبت از وجه التزام از نوع وجه و مبلغ نموده و در صورتی که ارزشهای رمزپایه را پول ندانیم از شمول آن ماده خارج می‌گردد اما برابر مقررات عام منعکس در ماده ۲۲۱ همان قانون، لزوم جبران خسارت اعم از وجه نقد و غیرنقد تصریح شده است، فلذا این دعوا نیز قابلیت استماع دارد.

**دعوی مطالبه منافع:** از دیگر دعاوی مطرح، طرح دعوی مطالبه‌ی منافع است که اگر موضوع آن به ارزشهای رمزپایه ارتباط پیدا کند قابل مطالبه است. منتهی مساله مهم در اینجا این است که چه منفعی را میتوان برای ارزشهای رمزپایه در نظر گرفت و کدامیک از آن‌ها قابل مطالبه می‌باشند؟

به عنوان مثال یکی از موارد قابل تصور حقوق قانونی ایجاد کننده یک ارز رمزپایه می‌باشد. بر اساس ماده ۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری « اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند و مشکلی را در یک حرفه، فن، فناوری، صنعت و مانند آنها حل می‌نماید». در صورت پذیرش ارز رمزپایه به عنوان یک اختراع انتظار می‌رود مبتکر آن از حقوق قانونی برخوردار باشد. این مساله در رابطه با ارز رمزپایه به عنوان یک ابداع و همینطور ابداعات مرتبط با آنها و فضای بیت کوین مورد توجه قرار گرفته است.

ارزشهای رمزپایه به عنوان نوع جدیدی از فناوری دارای منافع زیادی هستند؛ فناوری بیت کوین یک فناوری قادرسازی زیرساختی برای ارزشهای رمزپایه است. این فناوری بسیار قدرتمند شده و استخوان بندی برای شکل جدید اینترنت را خلق کرده است و به عنوان استفاده تداوم یافته از تامین مالی دیجیتال با استفاده از ابداعات کسب و کار بالقوه و بر مبنای تئوری انتشار ابتکار و مدل پذیرش فناوری؛ مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین این ابداعات می‌توانند برای صاحبان آن حقوقی را به همراه داشته باشند و بنابراین منافع حاصل از آن موضوع رسیدگی قرار گیرد، اما سوال اینجاست که آیا استخراج کنندگان نیز پس از حصول کد منحصر به فرد واجد حقوق معنوی اختراعی هستند یا تنها شخص اولی که بستر فضای بلاک چین و ارز رمز مورد نظر را فراهم نموده است، مخترع



شناخته می‌شود؟ به نظر پاسخ اخیر ارجح است چه آنکه ماینرها در راستای همان بستر کدی که در عالم ثبوت وجود دارد را استخراج و نه اختراع می‌کنند، فلذا حق اختراع متعلق به پایه گذار ارز رمز می‌باشد، ضمن اینکه ماینرها در صورتی که برای به دست آوردن کوین جدید تلاش و یا زحمتی کشیده باشند ما به ازای آن مالکیت خود را به دست آورده و از این نظر منفعت جداگانه‌ای برای ایشان متصور نیست. بنابراین منافع ناشی از حق اختراع تنها برای پایه گذار محفوظ است اما منافع حاصل از ارزشهای رمزیپایه با احتساب ارزش به روز آن قابل محاسبه و پرداخت می‌باشد، چه آنکه طرفین توافقی بر خرید و تقسیم منافع یا ضرر حاصله نمایند و چه آنکه شخصی به واسطه تبحر در خرید و فروش و تجارت این ارزها، تحصیل منفعت نماید.

**قانون حاکم بر دعاوی مبتنی بر ارزشهای رمزیپایه:** در ماده ۱۹ ق.آ.د.م. قانونگذار در کنار اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، دادگاه محل انعقاد و اجرای تعهد را نیز صالح دانسته است. در تعهدات غیرقراردادی چنین صلاحیتی برای دادگاه پیشبینی نشده است. از منظر حقوق داخلی باید بنا را بر اعمال همان اصل یادشده در ماده ۱۱ ق.آ.د.م، نهاد، اما از نظر بین المللی قانونگذار در ماده ۹۷۱ ق.م. نزاکت بین المللی را نسبت به حاکمیت دیگر دولتها پذیرفته و مقرر داشته است: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه میشود. مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود». در ماده ۲۶ ق.آ.د.م. نیز تشخیص صلاحیت داشتن یا نداشتن هر دادگاه برعهده همان دادگاه است. بنابراین، در روابط بین المللی صلاحیت محاکم هر کشور به حاکمیت و اقتدار آن دولت معطوف می‌گردد. باوجوداین در دعاوی راجع به مسئولیت مدنی هرچند قانونگذار قاعده را در ماده ۱۱ محدود به صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده نموده است، در مواردی ضرورت امر، طرح دعوی در محل دیگری را اقتضا دارد تا منافع خواهان به نحو شایسته تأمین گردد. (مافی، ۱۳۹۶، ص ۳۰۰) بنابراین در دعاوی مبتنی بر ارزشهای رمزیپایه، در صورتی که اطلاعی از محل اقامت خواننده وجود داشته باشد، بنابر مقررات عام منعکس در ماده ۱۱ ق.آ.د.م. در محل اقامت وی طرح دعوی صورت می‌پذیرد، اما در صورتی که خواننده در کشور ایران اقامت و سکونت نداشته و یا مالک مال غیرمنقولی نیز در ایران نباشد، خواهان در محل اقامت خود طرح دعوی می‌نماید و قانون حاکم بر این دعاوی نیز برابر ماده ۹۷۱ قانون مدنی، قوانین ایران خواهد بود.

## طرفین دعوا

یکی دیگر از موضوعاتی که در یک رسیدگی مرتبط با ارزشهای رمزپایه باید مورد توجه قرار گیرد طرفین دعوا هستند. به همین منظور در این قسمت مسائل مربوط به به طرفین این گونه دعاوی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

### خواهان

برای اینکه دعوایی آغاز شده و به جریان افتد لازم است نخست شخصی رسیدگی به آن را از دادگاه بنخواهد. درخواست رسیدگی به دعوا با تقدیم دادخواستی به عمل می‌آید که توسط خواهان تنظیم و ارائه می‌شود. هر شخصی که نامش در دادخواست به عنوان خواهان درج شود، خواهان است، ولی الزاماً چنین شخصی ذینفع اقامه‌ی دعوا نیست. خواهانی می‌تواند در دادرسی نقش آفرینی کند و ادعای خود را به طرفیت خوانده با فرض اجتماع شرایط اقامه سازد که ذینفع دعوا باشد. خواهانی که نفعی در دعوا ندارد و اصطلاحاً ذینفع نیست، خواهان محسوب می‌شود ولی چون صاحب نفع در دعوا نیست اجازه ندارد تا دادرسی را تعقیب نموده و ادامه بدهد. از همین روی است که بند ۱۰ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان یکی از ایرادات و پاسخ‌های خوانده، عدم ذینفعی خواهان را موضوع این ایراد قرارداده و حتی از نام خواهان یاد کرده است. (نهرینی، ۱۳۹۸، ص ۷۱)

در رابطه با خواهان دعاوی مرتبط با ارزشهای رمزپایه یکی از مهمترین چالش‌ها، ذینفعی خواهان است. در مواردی که تعهدات طرفین در یک قرارداد پایه انجام گرفته و طرفین قرارداد مشخص هستند، مسأله خاصی وجود ندارد و ایرادات وارد بر ذینفعی خواهان از قواعد عامی پیروی می‌کند که نسبت به سایر دعاوی ناشی از عقود قابل طرح می‌باشد و ویژگی خاصی وجود ندارد.

اما در مواردی که شخصیت طرفین برای یکدیگر ناشناخته است، خواهان باید ادله‌ای ارائه دهد که نشان می‌دهد که وی طرف معامله‌ای بوده است که خوانده به عنوان متعهد آن قرارداد، تعهداتش را انجام نداده و اجرا نکرده است. بنابراین لازم است تا اولاً هویت طرف معامله کشف و شناسایی شود و دوماً وجود رابطه میان این شخص و خواهان مشخص شود. ادرس کیف الکترونیکی یا عنوانی که خواهان با آن اقدام به معامله می‌نموده است می‌تواند این نقش را ایفا کند.

بنابراین اولاً باید خواهان اثبات کند که موضوع دعوا مربوط به کیف الکترونیکی مشخص است و ثانیاً آن کیف مربوط به وی می‌باشد. به عنوان مثال خواهان ادعا می‌کند که وی مقداری ارز رمزپایه را به خوانده منتقل کرده است ولی در مقابل خوانده به تعهد خود عمل نکرده است و الزام خوانده به انجام تعهد خود را مطالبه می‌کند. با توجه به اینکه خرید ارز رمز از صرافی صورت می‌پذیرد، استعلام از کیف الکترونیکی مشخص از صرافی‌ها و تایید مشخصات مالک آن، باعث احراز هویت می‌شود، اما در جایی که خریدی

صورت نپذیرفته و تنها به صورت انتقال داخلی در کیف الکترونیکی، ارزی جابه جا شده، کار به مراتب سخت تر و شناسایی مالک کیف پول در زمان نگارش این مقاله، غیرممکن است.

همینطور ممکن است خواهان مدعی بطلان یا فسخ قراردادی شود که بر اساس آن مقداری ارز رمزپایه را برای خواننده یا شخص ماذون از طرف خواننده ارسال نموده است و حال خواهان استرداد آن می باشد. در اینگونه موارد لازم است تا تعلق ارز رمزپایه به خواهان مشخص شود. این موضوع در عین حال به ادله اثبات دعوا نیز پیوند می خورد که در آن قسمت توضیحات بیشتری داده خواهد شد. آنچه در این قسمت مهم است ذکر این نکته می باشد که خواهان باید در نتیجه دعوا ذینفع باشد.

### خواننده

تمام مواردی که راجع به نقش و موقعیت خواهان گفته شد در مورد خواننده نیز صادق است. بنابراین دادخواست بدون وجود یک مخاطب به عنوان خواننده، ناقص است و به جریان نمی افتد. ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی شرایطی را مطرح می کند که خواننده می تواند به عنوان ایراد و موانع رسیدگی مطرح کند. در این میان برخی از موارد در دعاوی مبتنی بر ارزش‌های رمزپایه از اهمیت بیشتری برخوردار هستند که لازم است به آنها توجه شود.

همانطور که گفته شد دعاوی مبتنی بر ارزش‌های رمزپایه بسته به اینکه خواهان چه کسی و خواسته وی نیز چه اموری است متفاوت خواهد بود. اما در این میان چالش برانگیزترین وضعیت، شرایطی است که خواننده، دارنده‌ی ارز رمزپایه است

یکی از ایراداتی که خواننده می تواند در این دست دعاوی مطرح کند، ایراد عدم توجه دعوا به خواننده می باشد که در بند ۴ ماده ۸۴ ق.آ.م ذکر شده است. پیش از این بیان شد که معاملات مبتنی بر ارزش‌های رمزپایه در دو قالب قابل دسته بندی هستند. مواردی که انتقال ارز رمز پایه در چارچوب یک قرارداد پایه انجام می شود و ارز رمزپایه به عنوان ثمن مورد استفاده قرار می گیرد و دیگری انتقالی که موضوع خرید و فروش یا مبادله خود ارز رمزپایه می باشد.

در صورتی که انعقاد قرارداد پایه از طریق همچون کتبی بودن قرارداد با وجود شاهدین قابل احراز باشد؛ می توان توجه دعوا نسبت به طرفی که عدم انجام تعهد مبنی بر انتقال ارز رمزپایه را بر عهده دارد اثبات نمود. به عنوان مثال در یک قرارداد مکتوب مشخص است که شخص معینی موظف بوده در چارچوب اجرای قرارداد، مقدار معینی از یک نمونه ارزش‌های رمزپایه را به شخص معین دیگری منتقل نماید. ممکن است در اینگونه قراردادها اطلاعات کیف الکترونیکی یا حساب کاربری طرفین نیز مشخص شود. اما در صورتی که مشخصات متعهد تعیین نشده باشد، با توجه به اینکه از اطلاعات حساب

ارزهای دیجیتال افراد نمی‌توان هویت آنها را تشخیص داد، خواننده به راحتی می‌تواند به ایراد عدم توجه دعوا به خود متوسل شود. بدیهی است در اینگونه موارد بار اثبات این ادعا که کیف پول مشخصی متعلق به خواننده می‌باشد بر دوش خواهان خواهد بود. در اینجا می‌توان به فصل دوم قانون تجارت الکترونیک اشاره کرد که به مسأله انتساب داده پیام اشاره می‌کند. ماده ۱۸ این قانون مقرر می‌دارد: «در موارد زیر ((داده پیام)) منسوب به اصل‌ساز است:

الف - اگر توسط اصل‌ساز یا به وسیله شخصی ارسال شده باشد که از جانب اصل‌ساز مجاز به این کار بوده است.

ب - اگر به وسیله سیستم اطلاعاتی برنامه ریزی شده یا تصدی خودکار از جانب اصل‌ساز ارسال شود».

این ماده نیز نمی‌تواند در اینگونه موارد راه گشا باشد. زیرا همچنان لازم است تا خواهان، ارسال توسط خواننده یا نماینده قانونی وی را ثابت نماید. در مواردی که ارسال ارز رمزپایه مطلقاً انجام نشده است، این مشکل دشوارتر نیز می‌شود. به عبارتی جز در مواردی که قرینه‌ای خارجی، وجود شخص متعهد را آشکار می‌سازد، به نظر می‌رسد نمی‌توان توجه دعوا به خواننده را در اینگونه دعاوی به راحتی اثبات نمود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که معاملات مبتنی بر ارزهای رمزپایه به دو دسته قابل تقسیم هستند. در مواردی که ارز رمزپایه یک وسیله پرداخت برای انجام تعهدات مندرج در قرارداد پایه است و یا انتقال ارز رمزپایه در یک قرارداد پایه مشخص شده است، خواننده دعوا بر اساس اطلاعات مندرج در همان قرارداد پایه مشخص می‌شود.

و اما در مواردی که معاملات بدون وجود قرارداد یا قرینه‌ای که طرف یا طرفین معامله را مشخص نماید شکل می‌گیرد، خصوصیت ارزهای رمزپایه انتساب تعهد به خواننده را با مشکلات جدی مواجه می‌کند.

##### ۵- ادله اثبات در دعاوی مبتنی بر ارزهای رمزپایه

یکی دیگر از موضوعات مهم در دعاوی مربوط به ارزهای رمزپایه ادله اثبات دعوی می‌باشد. وفق ماده ۱۹۴ ق.آ.د.م. دلیل عبارت است از امری که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌کنند. ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی دلایل اثبات دعوا را بدین شرح بیان می‌کند: دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است: ۱- اقرار، ۲- اسناد کتبی، ۳- شهادت، ۴- امارات ۵- قسم. قانون آیین دادرسی مدنی در فصل دهم مضاف بر آنچه در قانون مدنی آمده، معاینه محل، تحقیق محلی و رجوع به کارشناس را نیز به ادله اثبات دعوی افزوده است. این افزوده‌ها بیشتر به منظور شیوه و نحوه‌ی ارایه دلیل است تا ارایه دلیل، چنانکه تحقیق محلی از نظر ماهوی همان طبیعت شهادت را دارد و تنها تشریفات

و شیوه استماع آن متفاوت است. معاینه محل و رجوع به کارشناس نیز از جمله اماراتی است که دلالت بر وقایع خارجی دارد و سبب اقناع دادرس در رسیدن به حقیقت می‌گردد. تقسیم بندی های مختلفی در مورد ادله انجام شده است که برخی بر اساس منشاء دلایل و برخی بر اساس قدرت اثباتی آنها می‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۱۸۸)

اکنون این سوال مطرح می‌شود که در دعاوی مرتبط با ارزشهای رمزپایه چه دلایلی قابل استفاده است و دعوا نیازمند ارایه چه دلایلی است. فارغ از موضوع اقرار در این قسمت به سایر دلایل پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است در صورتی که یک سند رسمی یا غیر رسمی مستند اثبات ادعای هر یک از طرفین قرار گیرد قواعد حاکم بر اعتبار اسناد حاکم است لذا از بررسی آن اجتناب می‌شود، به جهت اینکه مساله خاصی در آن مشاهده نمی‌شود که صرفاً متعلق به این دسته از دعاوی باشد.

### شهادت

در تمامی ادوار و همچنین در همه سیستم‌های حقوقی، همواره شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی، مورد استفاده طرفین دعوی جهت اثبات ادعاهای آنان بوده است لیکن حدود استفاده و درجه اعتبار آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. این اختلاف به اصول مذهبی اخلاقی و نیز سطح فرهنگ جوامع باز می‌گردد. (سرشار، ۱۳۳۱، ص ۶) اهمیت دلیل مذکور در دوران گذشته به دلیل صداقت انسان‌های آن ادوار از یک سو و فقدان دستاوردهای عملی و تکنیکی از سوی دیگر بسیار بیشتر از دوران فعلی بوده است. در ایران باستان به خاطر اهمیتی که برای گفتار افراد قائل بودند شهادت برادر له برادر دیگر و شهادت زن برای شوهر بدون در نظر گرفتن درجه قرابت و خویشاوندی مورد استماع قرار می‌گرفت. (مدنی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۷)

دکتر کاتوزیان شهادت را نقل حادثه‌ای تعریف می‌کند که رخ داده و شاهد آن را دیده یا شنیده یا لمس کرده و چشیده و بوئیده است. مانند دیدن ایراد ضرب و شنیدن ناسزا و لمس آلت قتل و چشیدن مشروبی که زیان دیده با خوردن آن مسموم شده یا بوئیدن عطر. به عقیده‌ی ایشان شهادت از مقوله اخبار است نه انشاء و به همین جهت نباید آن را در زمره اعمال حقوقی آورد. از سوی دیگر اخباری که در کلام شاهد می‌آید به زیان خود او نیست و دلالت بر وجود حق یا تعهدی بر ذمه او نمی‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۷۸۳)

قانون مدنی ما در باب شهادت قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در خصوص موضوع گواهی دچار تحولاتی گردید. قبل از تصویب قانون مدنی «قانون محاکمات» در مورد گواهی به طور عام ماده‌ای را تصویب نمود که در سال ۱۳۰۹ مبحث شهادت در قانون مدنی تدوین شد و برخلاف اصل بینه که شهادت یکی از آنها می‌باشد، شهادت به ۷ مورد محدود شد و در سال ۱۳۷۰ با نسخ چندین ماده از قانون مدنی، مجدداً شهادت جایگاه اصلی خودش را پیدا نمود. (فتحی، ۱۳۹۰، ص ۱۴)

بر اساس بند ب ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی «دعاوی مالی یا آنچه که مقصود از آن مال می‌باشد از قبیل دین، ثمن مبیع، معاملات، وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غضب، جنایات خطائی و شبه‌عمد که موجب دیه است با گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن. چنانچه برای خواهان امکان اقامه بینه شرعی نباشد می‌تواند با معرفی یک گواه مرد یا دو زن به ضمیمه یک سوگند ادعای خود را اثبات کند». همانطور که پیش از این نیز گفته شد دعاوی مربوط به ارزشهای رمزپایه در زمره دعاوی مالی محسوب می‌شوند و بنابراین بند ب مذکور برای اثبات آنها قابل اعمال می‌باشد. با این وجود شرایطی برای اعتبار شهادت لازم است.

برای اینکه شهادت معتبر باشد لازم است واجد خصوصیتی باشد. این شرایط عبارتند از مطابقت شهادت با دعوا و قطع و یقین شاهد و در نهایت اینکه قانونگذار باید اجازه استناد به شهادت برای موضوع دعوا آن دعوا را پیش بینی کرده باشد یا به عبارت دیگر موضوع دعوا باید از طریق استناد به شهادت قابل اثبات باشد. در رابطه با شرایط مربوط به شهادت مواردی دیگری را نیز ذکر کرده اند از جمله اتحاد مفاد شهادت شاهدین؛ همچنین با توجه به بند ب ماده ۲۳۰ ق.ا.د.م. تعدد شاهدین نیز در دعاوی مربوط به ارزشهای رمزپایه موضوعیت پیدا می‌کند.

در رابطه ارزشهای رمزپایه لازم است که شاهد با یکی از ابزارهای متعارف به این یقین برسد که عقدی واقع شده است، مفاد عقد چگونه بوده است، ارزش رمزپایه منتقل شده است یا خیر؟ آیا طرفین توافقی بر این موضوع داشته‌اند که ارزش رمزپایه از یک کیف پول و کلید خصوصی و عمومی مشخصی انتقال یابد یا خیر؟ در صورت منفی بودن پاسخ اخیر، آیا ارزی که منتقل شده است توسط متعهد یا از طرف وی منتقل شده است یا خیر؟ یا به عبارتی آیا منبع انتقال قابل انتساب به متعهد بوده است یا خیر.

از راه‌های متعارف کسب یقین، مشاهده انتقال توسط مدعی یا مشاهده درخواست وی از شخص ثالثی که از سوی وی اقدام می‌کند و یا مشاهده تعلق رمزها و کلیدهای کیف پول و انتقال به مدعی انتقال و همچنین حضور در مجلسی که طرفین بر انجام معامله رمز ارزش توافق نموده‌اند، می‌باشد. البته باید توجه داشت که بنابه اصل محرمانگی<sup>۷</sup> و همچنین حفظ حریم خصوصی<sup>۸</sup> که در معاملات و مبادلات الکترونیکی وجود داشته و رعایت می‌شود، امکان توسل و تمسک به شهادت شهود برای اثبات معامله یا مرادات مربوط به ارزش رمزها خیلی از دور از ذهن و بعید می‌باشد.

## امارات

7 - Confidentiality

8 - Privacy

یکی دیگر از ادله‌ای که می‌تواند برای اثبات دعوا مورد استناد قرار گیرد امارات هستند. ممکن است که طرفین قرارداد شاهدهی نداشته باشند یا شرایط اعتبار شهادت احراز نشود. در اینگونه موارد استناد به امارات می‌تواند مطرح گردد. یکی از ادله‌ای که می‌توان به آن استناد نمود وضعیت گردش مالی ارز رمزپایه می‌باشد. در مواردی که موضوع دعوا به انتقال پول رایج جهت تبدیل به ارز رمزپایه مربوط می‌شود، رایج گردش مالی از یک حساب متعلق به طرف قرارداد یا نماینده وی به حساب طرف دیگر قرارداد یا نماینده وی؛ صدور یک سند تجاری و پرداخت یا عدم پرداخت وجه آن از جمله دلایلی است که طرفین می‌توانند به آن استناد کنند.

اما در رابطه با ارزشهای رمزپایه یکی از دشواری‌ها، دسترسی به این موارد است. با توجه به اینکه نظام حاکم بر پرداخت‌ها در این ارزها مستقل از نظام بانکی می‌باشد، لذا اعتبار آن با مشکل مواجه می‌شود. یکی از راه‌های ممکن دریافت گزارش نقل و انتقالات از صرافی‌های نقل و انتقال ارزشهای رمزپایه می‌باشد، اما صحت این سند می‌تواند مورد تردید قرار گیرد. برخلاف اسناد بانکی که یا مهور به مهر بانک مشخصی هستند و یا قابل استعلام از طریق بانک‌ها توسط محکمه هستند، در اینجا یا چنین اموری ممکن نیست یا اگر ممکن باشد اعتبار آن بالاخص اگر صرافی داخلی نباشد، مورد تردید است. قانون هیچ‌گونه مقرره‌ای را پیش‌بینی نکرده است که برای تاییدیه‌های مربوط به انتقال یا عدم انتقال ارز رمزپایه چه جایگاهی را می‌توان در نظر گرفت.

اما در این موارد امکان رجوع به کارشناس وجود دارد در اینگونه موارد نظریه کارشناسی می‌تواند از همان اعتباری برخوردار باشد که در سایر دعاوی مالی برخوردار است. قابلیت پذیرش و عدم پذیرش آن در سایر موارد، در اینجا نیز قابل اعمال می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد مطمئن‌ترین ادله جهت اثبات قراردادی که حاوی مشخصات کیف پول الکترونیکی و سایر توضیحات باشد این است که بتوان تبدیل وجه ملی از طریق صرافی‌ها را به رمز ارز اثبات و سپس دلیل اثباتی انتقال آن را مشخص نمود، اما در جایی که مبادله از موجودی کیف پول و به عبارتی ارز به ارز صورت می‌پذیرد این مهم از صرافی قابل پیگیری نبوده و فقط می‌توان از طریق کارشناسی و با تایید تاریخچه‌ی انتقال موجود در کیف پول، آن را اثبات نمود. در این فرض مدعی با ارائه‌ی تاریخچه‌ی انتقال در کیف پول خود به کارشناس، نشانی مبداء و مقصد، تاریخ انتقال و میزان انتقال را احراز می‌کند، اما این کافی نبوده و در این فرض، در صورت انکار مدعی علیه و عدم ارائه‌ی مستندات کیف پول دیجیتال خود، اثبات کارشناسی عقیم می‌ماند.

### اقرار

همانطور که می‌دانیم اقرار مهمترین ادله اثبات است. با این وجود در مواردی همین ادله نیز می‌تواند با چالش‌هایی مواجه شود. بر اساس ماده ۱۲۷۵ ق.م. «هر کس اقرار به

حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود». بر اساس ماده ۲۰۲ ق.آ.د.م. «هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی‌حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست» و اگر این اقرار در ضمن یک سند رسمی، اظهار و بیان شده باشد می‌توان به ماده ۷۰ قانون ثبت نیز استناد کرد که مقرر می‌دارد «سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرج در آن معتبر خواهد بود مگر آنکه مجعولیت آن ثابت شود. انکار مندرجات اسناد رسمی راجع به اخذ تمام یا قسمتی از وجه یا مال و یا تعهد به تأدیه وجه یا تسلیم مال مسموع نیست». حال این سوال مطرح می‌شود که اگر طرف قرارداد، ضمن سند رسمی یا عادی، به دریافت ارز رمزپایه‌ای اقرار کند، آیا می‌تواند عدم صحت آن را ادعا کند یا خیر؟ جایی که سند رسمی در میان باشد، می‌توان به تبصره ماده ۷۰ استناد کرد که مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی که به موجب سند رسمی اقرار به اخذ وجه یا مالی کرده یا تأدیه وجه یا تسلیم مالی را تعهد نموده، مدعی شود که اقرار یا تعهد او در مقابل سند رسمی یا عادی یا حواله یا برات یا چک یا فته طلبی بوده است که طرف معامله به او داده و آن تعهد انجام نشده و یا حواله و یا برات یا چک یا فته طلب پرداخت نگردیده است این دعوی قابل رسیدگی خواهد بود». حال در صورتی که این اختلاف در رابطه با ارزهای دیجیتال باشد، این سوال مطرح می‌شود که آیا همچنان می‌توان به این مقرر استناد نمود؟ پاسخ به این سوال مثبت است و در این فرض، دعوی منقلب شده و بار اثبات بر عهده مدعی علیه می‌گردد، در خصوص سند عادی نیز که از اظهار انکار و تردید در امان مانده و جعلیت آن نیز اثبات نشده و یا رد شده باشد، ادعای فوق قابل پذیرش است.

### اجرای احکام مدنی در دعاوی مبتنی بر ارزهای رمزپایه

سوالی که در اینجا طرح می‌گردد این است که رای دادگاه که متضمن الزام خواننده به انتقال یا تحویل یک ارز رمزپایه است با چه ترتیبی اجرا می‌گردد؟

#### الزام به انتقال و تحویل ارز رمزپایه

در صورتی که دادگاه حکم به انتقال ارز رمزپایه توسط خواننده صادر کند؛ نظر به اینکه این حکم یک حکم تأسیسی است، لازم است تا اقداماتی در راستای اجرای آن صورت پذیرد. در گام نخست ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می‌دارد: «احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می‌شود که به محکوم‌علیه یا وکیل یا قائم‌مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم‌له یا نماینده و یا قائم‌مقام قانونی او کتباً این تقاضا را از دادگاه بنماید». بنابراین برای اجرای این حکم لازم است تا خواهان تقاضای صدور اجراییه نماید. ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مقرر می‌دارد: «هرکس به موجب حکم دادگاه به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند، هر گاه محکوم‌به عین معین باشد آن مال اخذ و به محکوم‌له تسلیم می‌شود...». این مقرر



اولین چالشی است که اجرای احکام با آن مواجه می‌باشد. زیرا وفق این ماده در صورتی که دادگاه حکم به انتقال ارز رمزپایه صادر کند و محکوم علیه از اجرای آن خودداری کند اجرای احکام باید اقدام به اخذ مال و تسلیم آن به محکوم علیه نماید.

در صورتی که مشخصات ارزشمزیایه مشخص باشد و عملاً نیز آن ارز در اختیار خواننده قرار داشته باشد باید وفق این ماده عمل شود، اما در عمل این امر جز با رضایت او قابلیت اجرا ندارد؛ در موردی که محکوم<sup>۹</sup> به عین معین بوده و محکوم<sup>۱۰</sup> له شناسایی و تحویل آن را تقاضا کرده باشد نیز مرجع اجراکننده رأی مکلف به شناسایی و توقیف آن مال است. (تبصره ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی ۱۳۹۴) با این وجود برخلاف سایر اموال که امکان توقیف آنها وجود دارد در رابطه با این ارزها عملاً چنین امکانی وجود ندارد. هیچ نهادی وجود ندارد که بتواند اقدام به توقیف این اموال نماید.

بنابراین تنها راه در اینگونه موارد این است که «در صورتی که ردّ عین ممکن نباشد یا محکوم<sup>۱۱</sup> به عین معین نباشد، اموال محکوم<sup>۱۲</sup> علیه با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن حسب مورد محکوم<sup>۱۳</sup> به یا مثل یا قیمت آن استیفا می‌شود.» در اینجا حتی اگر ارز رمزپایه را عین معین نیز در نظر نگیریم همچنان همین وضعیت برقرار است و در صورت غیر ممکن بودن توقیف و رد آن توسط اجرا، مراجعه به سایر اموال محکوم علیه تنها راه قابل تصور می‌باشد. بر اساس ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی «مرجع اجراءکننده رأی، اعم از قسمت اجرای دادگاه صادرکننده اجراییه یا مجری نیابت، مکلف است به تقاضای محکوم<sup>۱۴</sup> له از طرق پیش بینی شده در این قانون و نیز به هر نحو دیگر که قانوناً ممکن باشد، نسبت به شناسایی اموال محکوم<sup>۱۵</sup> علیه و توقیف آن به میزان محکوم<sup>۱۶</sup> به اقدام کند».

با توجه به عدم تثبیت قیمت ارزشمزیایه و توقیف معادل آن از اموال محکوم علیه، سوال این است که قیمت ارزشمزیایه در چه زمانی ملاک توقیف معادل آن است؟ در پاسخ به این سوال و برابر مقررات منعکس در ماده ۴۹ قانون اجرای احکام مدنی، ارزش زمان توقیف اموال ملاک خواهد بود<sup>۱۷</sup>، اما نکته‌ی مهم این است که اگر دادگاه حکم به تسلیم مقداری

<sup>۹</sup> - نظریه مشورتی شماره ۶۰۶۵-۱۳۹۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۸ « در اجرای ماده ۴۹ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی و در راستای اخذ محکوم به که تعداد دویست قطعه سکه طلای تمام بهار آزادی به عنوان مهریه بوده، ملک محکوم علیه توقیف میشود تا از حاصل فروش آن مبلغ محکوم به استیفاء گردد؛ پس از کارشناسی، النهایه بعد از پنج ماه ملک مزبور در مزایده به قیمت پایه کارشناسی به فروش میرود ولیکن قیمت سکه طی این پنج ماه به جهت نوسانات شدید ارزی چهار درصد افزایش یافته؛ تکلیف اجرا در خصوص ملاک زمان قیمت سکه چیست؟ قیمت سکه در زمان توقیف ملاک است یا زمان مزایده یا زمان انتقال سند و غیره؟ در ماده ۴۹ و ۵۱ قانون اجرای احکام مدنی تصریح شد که از اموال محکوم علیه به میزانی توقیف میشود که « معادل محکوم به و هزینه های اجرایی » باشد. بدیهی است که منظور از عبارت « معادل محکوم به » معادل محکوم به در زمان توقیف است. سیاق ماده حکایت از این امر دارد. مستفاد از ماده ۵۶ و ۵۷ قانون اجرای احکام مدنی توقیف مال دارای اثر حقوقی است و مالک را از هر گونه قراردادی اعم از نقل و انتقال و غیره ممنوع کرده یعنی مالک نمیتواند اساساً به ضرر محکوم له یا عموماً به نفع خود در خصوص ملک توقیف شده اقدامی نماید. وقتی مقنن مالک را از هر گونه اقدام بر حذر داشته در اصل گویای این است که از هر گونه انتفاع به نفع خود در قالب عناوین ذکر شده در مواد مزبور ممنوع نموده

ارز رمزپایه صادر نموده باشد، آیا اجرای احکام می تواند معادل ریالی آن را وصول کند؟ مستنبط از ماده ۲۲۲ قانون مدنی، در صورت عدم ایفاء تعهد، حاکم می تواند به کسی که تعهد به نفع او شده است اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تادیه مخارج آن محکوم نماید. بنابراین در فرض فوق، محکوم له، می تواند در صورت استتکاف خوانده، راساً نسبت به خرید ارز رمز اقدام نموده و با ارائه مستندات، وجه ریالی آن را از محکوم علیه مطالبه نماید.

### اعسار از پرداخت محکوم به

یکی دیگر از موضوعات قابل طرح در اجرای احکام مساله اعسار از پرداخت محکوم به می باشد. وفق ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی «اگر استیفای محکوم به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می شود...».

در اینجا دو مساله قابل طرح است. نخست اینکه آیا محکوم علیه می تواند به دلیل اینکه به رمز کیف پول الکترونیکی خود دسترسی ندارد ادعای اعسار نماید؟ ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مقرر می دارد: «معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد». وفق تبصره این ماده «عدم قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است. اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال برعهده مدیون است».

همانطور که پیش از این بیان شد رمز کیف پول الکترونیکی یکی از موضوعاتی است که مورد اهمیت خاصی قرار دارد. برخلاف نظام های بانکی که در صورت عدم دسترسی به حساب بانکی به دلیل عدم دسترسی به رمز ورود، امکان دریافت رمز مجدد وجود دارد و همینطور می توان از طریق سایر طرق انتقالات بانکی به دارایی خود دسترسی داشت، چنین اموری در رابطه با ارزهای رمزپایه امکان پذیر نیست. در واقع از دست دادن رمز ورود به کیف پول الکترونیکی به معنای از دست دادن امکان دسترسی به محتویات آن می باشد. بنابراین محکوم علیه می تواند بر این اساس ادعا کند که کیف پول الکترونیکی

و لذا بر توقیف مال اثر حقوقی بار شده است بر این اساس قیمت سکه در زمان توقیف مال ملاک است و افزایش یا کاهش قیمت سکه تاثیری در آن ندارد. بر خلاف نظر اکثریت اساساً پرداخت قیمت یوم الاداء مربوط به احکام غضب است در حالیکه موضوع مربوط به غضب نمیشود؛ مطابق ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی قیمت محکوم به از مال توقیفی استیفاء میشود و به نظر این گروه منظور از قیمت، قیمت روز توقیف است؛ در ماده ۴ همان قانون نیز تصریح شده که با ارزیابی ملک از سوی کارشناس رسمی و تکافوی محکوم به و هزینه های اجرائی مال توقیف و محکوم به از محل آن استیفاء میشود؛ همه موارد فوق و سیاق مواد، حکایت از ملاک قرار دادن قیمت سکه در زمان توقیف مال است. قیمت سکه در زمان مزایده ملاک میباشد ضمن پذیرش مبانی استدلال نظر ابرازی فوق و مستندات مواد قانونی ذکر شده در آن، ملاک روز مزایده است. مزایده حکم بیع را دارد؛ با انجام مزایده، ملک به فروش رفته و قیمت محکوم به استقرار پیدا کرده لذا قیمت سکه در روز مزایده هر چقدر باشد همان قیمت ملاک قرار خواهد گرفت مهلت یک هفته ای شکایت و صدور دستور سند اجرائی عرفاً متصل به همان روز مزایده است. بنگرید: [www.neshast.org](http://www.neshast.org)

وی به سرقت رفته است. اما مشارالیه باید اثبات نماید سایر اموال نیز برای پرداخت محکوم‌به کافی نیستند و در حال حاضر با توجه به شرایط، معسر می‌باشد.

### مستثنیات دین

همانطور که گفته شد اجرا حکم در رابطه با مستثنیات دین اصولاً انجام نمی‌پذیرد. حال این سوال مطرح می‌شود که می‌توان ارزشهای رمزپایه را به عنوان مستثنیات دین در نظر گرفت یا خیر. توضیح آنکه ماده ۲۴ قانون محوه اجرای محکومیت‌های مالی در بند هـ مقرر می‌دارد: «مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است: ... هـ - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است». در صورتی که وسیله امرار معاش فردی مبادله ارزشهای رمزپایه باشد از جمله صرافی‌های ارزی رمزپایه؛ این سوال مطرح می‌شود که آیا این ارزشها را باید جزو وسایل کار این اشخاص برای امرار معاش آنها در نظر گرفت یا خیر؟

قانون در این رابطه هیچ معیاری ارائه نمی‌دهد که بتوان تعیین تکلیف نمود، هر چند در خصوص صرافی‌های ارزی، امکان توقیف ارزشهای موجود در حساب وجود دارد و نمیتوان آن‌ها را جزو مستثنیات دین دانست، چراکه آن وجوه وسیله و ابزار کار نیست بلکه سرمایه کار و موضوع معامله یا مورد معامله است. لذا بنظر می‌رسد به واسطه این خلاء قانونی راه برای اعمال نظر و اقدام صلاح‌دیدگی متعارض فراهم است که باید مرتفع گردد.

### جمع بندی و نتیجه گیری

ارزشهای نوظهور دیجیتال به لحاظ شرایط بدیع و خلاقانه‌ی تولیدی که دارند چارچوب و مشخصات ارزشهای سنتی را به تغییر داده و در آن قالب قرار نمی‌گیرند. عدم تمرکز و فقدان نظارت بر آنها، نداشتن پشتوانه‌ی حکومتی از یک سو و ابهام در ماهیت و جایگاه حقوقی رمزارزها از حیث اینکه آیا باید پول تلقی شوند یا اینکه در زمره‌ی اموال هستند، از سوی دیگر، سبب شده تا قوانین حاضر به تنهایی پاسخگوی نیازهای این عرصه نباشند، اشخاصی که به سرمایه‌گذاری در حوزه رمز ارزها تمایل داشته و آن‌ها را خریداری می‌نمایند و یا در مبادلات خود به کار می‌برند، قصد ندارند تا اموال و دارائیهای خود را پنهان کنند، گرچه وضعیت خاص رمزارزها از جهت عدم قابلیت ردگیری و محرمانگی بالا، ممکن است این انگیزه را در برخی افراد ایجاد کرده و یا حتی، استفاده از رمزارزها برای ارتکاب برخی اعمال مجرمانه نظیر پولشویی یا فرار مالیاتی و غیره را افزایش دهد. اوصاف خاص رمزارزها از جمله عدم امکان اثبات مالکیت کیف‌های دیجیتالی به لحاظ شخصی بودن آن و همچنین عدم شناسایی طرف معامله یا طرف تراکنش، چالشها و مشکلات مربوط به دعاوی حقوقی در این حوزه را به شدت افزایش می‌دهد، بر این اساس، هرچند

که برخی مقررات عام موجود در زمینه آیین دادرسی و نحوه رسیدگی به دعاوی، تا حدی در رمزارزها هم قابل استفاده و استناد می باشند ولی بنا به دلایل پیش گفته و تکنولوژی خاص این حوزه، به نظر می رسد که مقررات موجود نمی تواند پاسخگوی نیازها و ضرورت‌های این عرصه باشد و استناد به مقررات موجود کافی نخواهد بود و به نظر میرسد که اولین اقدام در این زمینه باید پذیرش و قبول این ارزها در نظام مالی کشور ایران باشد، چرا که با پذیرش آنها، راه برای قانونمند کردن آنها نیز باز می شود از جمله اینکه سپردن اقدامات راجع به آنها به برخی صرافی های مجاز به طور حداقلی برخی الزامات قانونی را در این خصوص رعایت نمود، و در گام دوم، نیازمند تدوین مقررات خاصی در این حوزه هستیم تا بتوانیم مقررات آیین دادرسی را با توجه به تحولات تکنولوژیک در این عرصه، بر آنها تطبیق داده و متناسب سازی کنیم. نتیجه‌ی عدم پذیرش این ارزها که روز به روز بر تعداد آن افزوده می گردد، آشفته‌گی مالی و معاملاتی و از دست رفتن سرمایه‌ی افراد و همچنین افزایش اختلافات و دعاوی و کلاهبرداریهای اینترنتی می باشد. این در حالی است که نظام حقوقی ما هنوز برای مواجهه با دعاوی ناشی از رمزارزها، آماده و مهیا نیست.

کتاب

- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، چاپ چهارم ۱۳۹۶
- سرشار، محمود، شهادت در امور مدنی و کیفری، مجله کانون وکلا، دوره اول، بهمن و اسفند ۱۳۳۱، شماره ۲۹
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی جلد سوم، انتشارات دراک، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۴
- شمس، عبدالله، اجرای احکام مدنی، جلد دوم، انتشارات دراک، چاپ سوم، ۱۳۹۸
- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، میزان، چاپ نهم، ۱۳۹۵
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، میزان، چاپ سی و یکم، ۱۳۹۰
- مدنی، سید جلال الدین، ادله اثبات دعوی، انتشارات پایدار، ۱۳۹۰
- ملک زاده، فهیمه، واحدزاده، سینا، جایگاه فقهی و حقوقی ارزشهای دیجیتال، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۹
- نهرینی، فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، گنج دانش، ۱۳۹۸
- مقاله
- آذرنیوار، محمد؛ پول مجازی چیست؟ دانشنامه‌ی منتشره در مجله تخصصی ارز دیجیتال، <http://arzdijital.com> ۱۳۹۹
- عزی، جمال الدین؛ گواه، مجله مجموعه حقوقی، شماره ۲۲۵، آبان ۱۳۲۰
- غمامی، مجید؛ اسعدی، سید حسین؛ مطالعه آثار تقسیم دعوا به مالی و غیرمالی در فقه و حقوق ایران، مجله فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، پاییز ۱۳۹۵، شماره ۱۳
- فتحی، علی؛ بررسی تحلیلی قواعد حاکم بر گواهی و شهادت، معاونت آموزش و تحقیقات دادگستری استان قزوین، ۱۳۹۰
- قربانی زيردهی، پریسا؛ دخیلی غزاله، بررسی مسائل حقوقی کاربرد بلاکچین، ترجمه مقاله‌ی Exploring the legal Issue of block chain نوشته Nathan Fulmer، مجله حقوق بانکی، دوره اول، شماره ۱۴-۱۵، ۱۳۹۸
- کریمی، عباس؛ شکوهی زاده، رضا؛ قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات و استثنائات آن در نظام کامن لا با نگاهی تطبیقی به حقوق ایران، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۹۳، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸
- مافی، همایون؛ حسینی مقدم، سیدحسن؛ دادگاه صالح در حل و فصل اختلافات ناشی از تعهدات غیرقراردادی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶